خراسان روزنامه صبح ایران
پنج شنبه ۲ دی ۱۳۹۵ . ۲۲ ربیع الاول ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۴۲۹

**دیدار پدر و پسر برای اولین بار پس از ۵ سال!**



سید مهدی الموسوی بعد از آزادی از زندانهای آل خلیفه برای اولین بار پسرش را ملاقات کرد. موسوی زمان به دنیا آمدن پسرش در زندان بود. دستگاه قضایی رژیم آل خلیفه موسوی را به ۱۰ سال حبس محکوم کرد. موسوی در دفاعیات خود به دادگاه توضیح داد که بر اثر شکنجه اعترافات را امضا کرده است و در نتیجه دادگاه عالی تجدید نظر بحرین حبس وی را به ۵ سال کاهش داد.

### گفتگو با سید مهدی هادی الموسوی؛ مبارز بحرینی

# روایت تکان دهنده از جنایات آل خلیفه

## حکام بحرین ممکن است چند سناریو را درباره شیخ عیسی قاسم دنبال کنند

دکتر غلامرضا کحلکی
international@khorasannews.com



پسر ش ۵ ساله بود، اما او فرزندش را از زمان تولد ندیده بود. ۲۵ آوریل ۲۰۱۱، دستگیرش کردند و کار او به استخبارات ارتش بحرین کشید. از همان ساعات اول دستگیری، شکنجه شروع شد. شکنجه گرانی با ۱۴ نوع ملیت و تابعیت، شکنجه اش می کردند؛ سرش را داخل یک سطل آب داغ می گذاشتند تا نفس او بند بیاید و همین که می خواست جان بدهد، سر او را از آب بیرون می آوردند و از او می پرسیدند که مخفیگاه اسلحه اش کجاست و دیگر همرزمانش را باید معرفی کند. او چیزی نمی گفت، اصلاً چیزی برای گفتن نبود و اسلحه ای در کار نبود. شکنجه ها ادامه می یافت. این بار شیلنگ ضخیم بود و سید مهدی. به بدنش برق وصل می کردند و یا از درآویزانش می کردند. یک بار برای ۶ روز، سر پا نگاهش داشتند و با غذای حداقل، اجازه نمی دادند که بخوابد. فقط این شکنجه های جسمی نبود؛ این شکنجه ها را باید در کنار شکنجه های روحی و فحاشی بگذاریم. می گفتند که کجاست حضرت مهدی (عج) شما که بیاید و شما را نجات دهد و به مراجع فحاشی می کردند و..... این بخشی از سرگذشت «سید مهدی هادی الموسوی»، روحانی مبارز بحرینی است. مردی که از سران جمعیت «أمل» است و اکنون دور از زادگاهش، در ایران روایتگر اوضاع بحرین است. آنچه می خوانید، گفتگوی ما با این مبارز بحرینی است:

**وقایع بحرین برای بسیاری از ایرانی ها اهمیت بسیار زیادی دارد و مظلومیت انسان هایی که در بحرین به دست شقی ترین افراد مورد ظلم واقع می شوند، برای ما مهم است؛ از خودتان بگویید و این که در بحرین در چه شرایطی بودید و از حال و هوای بحرین، سرگذشت این کشور و فضای سیاسی آن برای ما صحبت کنید؟**

ملت بحرین در قرن بیستم میلادی ۶ بار قیام کردند. در دهه های ۲۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰ و ۹۰ میلادی، شاهد تلاش مردم بحرین برای مقاومت در برابر ظلم طاغوتیان بودیم که آل خلیفه همه این قیام ها را سرکوب کرد. در قرن بیست و یکم در آغاز بیداری اسلامی کشورهای عربی و مسلمان، مردم مسلمان بحرین به دیگر ملت های مسلمان پیوستند و در ۱۴ فوریه سال ۲۰۱۱ میلادی، قیام کردند. آن ها در ابتدا با سردادن شعار، خواستار اصلاحات شدند، اما آل خلیفه با نیروهای امنیتی که از ۶۱ کشور جهان هستند و شمار آن ها به ۵۰۰ هزار مزدور می رسد، به سرکوب قیام مردم بحرین پرداختند. این مزدوران در واقع، وهابی های ۶۱ کشور جهان هستند که تابعیت بحرینی یافته اند. البته آل خلیفه با این تعداد مزدور هم نتوانست قیام مردمی بحرین را به طور کامل سرکوب کند. با ریخته شدن خون اولین شهید این انقلاب، یعنی علی مشیمع، شعار مردم بحرین تغییر کرد و از اصلاحات به سرنگونی رژیم در بحرین تغییر یافت. مردم گفتند که آل خلیفه دیگر حق حکومت بر بحرین را ندارد و رژیمی غیر دموکراتیک است. آل خلیفه که توانایی سرکوب مردم را نداشت، از نیروهای سپر جزیره کمک گرفت. از این به بعد بود که ارتش بحرین با هم راهی ۴ کشور دیگر خلیج فارس، در خون ملت مظلوم بحرین شریک شده و در بحرین، حکومت نظامی اعلام شد. این نظامی ها، تمام کسانی را که کوچک ترین فعالیتی در میدان «اللؤلؤ» بحرین داشتند دستگیر کردند. چه بسیار افرادی که در منزل خودشان و در برابر دیدگان خانواده شان شکنجه شدند. این نظامی ها از مردم می خواستند مخفیگاه اسلحه شان را نشان دهند؛ در حالی که مردم بحرین اسلحه ای نداشتند. اینجا بود که حتی به ناموس بحرینی ها در منزل شان و جلوی چشم خانواده تجاوز می شد و می شود.

در شب ۲۱ مارس، در روزهایی که هنوز سه یا چهار روز از حکومت نظامی می گذشت، در حالی که من نبودم، به منزلمان ریختند؛ تقریبا ۵۰ نفر. خانه ای کوچک و این همه نیرو. نیروهای استخبارات، همسر عمه من را از بالای پشت بام به پایین انداختند و ۵ نفر به عمه من در یک اتاق تجاوز کردند. این بانوی عفیفه که دنده هایش شکسته بود، ۶ ماه تمام زمینگیر شده بود. وقتی می خواستند مرا دستگیر کنند، به ۴۰ خانه هتک حرمت شد تا به من رسیدند. از میان جمعیت ۷۰۰ هزار نفری شیعیان بحرین، ۲۵ هزار نفر شان زندانی بودند. در منطقه ای که من سکونت داشتم، یعنی بنی جمره، گاهی در یک شب به نصف خانه های آن، هتک حرمت می شد. به منازل برخی از جوان های انقلابی بحرین، بیش از ۲۰ تا ۳۰ یا حتی ۴۰ بار هتک حرمت کردند. حتی به منازل افرادی که به زندان افتادند نیز بارها یورش برده می شد. ۴۰ مسجد را سر بازار آل خلیفه ویران کردند. این را بگذارید در کنار شمار بسیاری از هیئت ها و حسینیه هایی که آل خلیفه ویران کرد. نیروهای آل خلیفه قرآن را در داخل خانه خدا می سوزاندند؛ آن ها می گفتند که این قرآن ها را صفوی ها چاپ کردند و در ایران چاپ شده و در عربستان چاپ نشده است و باید سوزانده شود.

در بحرین، ۸۰ عالم و اردزندان های آل خلیفه شده اند که سه تن از آن ها مجتهد هستند و حتی تا کنون نیز در زندان به سر می برند. بیش از ۸۰ زن مؤمنه و عفیفه به زندان انداخته شدند که تعدادی از آن ها هنوز نیز در زندان هستند. حتی بعضی از زنانی که به زندان افتاده اند فرزندان شیرخوار داشتند، که به ناچار، آن ها نیز با مادرانشان در زندان به سر می برند و این یعنی این که حرمله ها در تاریخ تکرار شده اند.

مرا در روز ۲۵ آوریل ۲۰۱۱، دستگیر کردند و به استخبارات ارتش بردند؛ از همان اولین ساعات دستگیری، شکنجه شدید آغاز شد. شکنجه گرانی با ۱۴ نوع ملیت و تابعیت بنده را شکنجه دادند؛ افرادی با تابعیت عربستان، امارات یمن، مصر، اردن، پاکستان و ... من را شکنجه کردند. مثلاً سر من را داخل یک سطل آب داغ می گذاشتند تا نفسم بند می آمد و همین که می خواستم جان بدهم، سرم را از آب بیرون می آوردند و از من می پرسیدند که مخفیگاه اسلحه ات کجاست و دیگر همرزمانت را معرفی کن و چون من چیزی نمی گفتم، این شکنجه ها را ادامه می دادند. من را با شیلنگ ضخیم می زدند و به بدنم برق وصل می کردند یا از درآویزانم می کردند. ۶ روز من را سر پا نگاه داشتند و با غذای حداقل، اجازه خواب به من داده نمی شد. این شکنجه ها را باید در کنار شکنجه های روحی و فحاشی بگذاریم. به عکس مراجع توهین می کردند و قالیچه ای را در ورودی مرکز خود انداخته بودند تا هر کس می خواهد وارد شود، از روی آن عبور کند. این وهابی ها این عکس ها را بیشتر از منازل مردم بحرین به دست آورده بودند. در تمام مدتی که زندانی بودم، دست و چشم ما بسته بود. عکس خلیفه بن سلمان، را روی دیوار گذاشته بودند و ما را مجبور می کردند بر آن بوسه بزنیم. پس از ۶ روز من را به وزارت کشور بحرین بردند که دریکی از زندان های زیرزمینی آن دو ماه در سلول انفرادی بودم. پس از آن مرا به اتاقی بردند که یکی از حاضران در آن، فریاد زد که چشمان او را باز کنید، او که مرده است و هراسی ندارم از این که یک مرده و اعدامی مرا ببیند. ۶ روز بود چشمانم نوری ندیده بود، تا چشمانم را باز کردم دیدم آقایی با یک لباس عربی در میان اتاق ایستاده است و چند نفر دیگر با لباس ارتشی در کنار او ایستاده اند؛ از قد و قوار و لهجه آن ها دریافتم که بعثی عراقی هستند. او دستور داد لپ تاپی بیاورند و سخنرانی بنده در میدان اللؤلؤ را پخش کنند همچنین سخنرانی من در مقابل کاخ السافریه (کاخ حمد بن عیسی آل خلیفه) را نیز پخش کردند و گفت آنچه در این فیلم ها می گویی باز گو کن و بگو مرگ بر حمد و اگر نگویی تو را می زنم؛ من هم گفتم. بعد شروع کرد به زدن من تا از حال رفتم. همین طور که من را به زندان می بردند، به من گفت که تو اعدامی؛ یا تو را در بحرین اعدام می کنیم و یا به عربستان می بریم و قطعاً برای جدا کردن سر تو از بدنت خواهم آمد. او گفت این را بدان که همان طوری که به خانه های شما ریختیم و هتک حرمت کردیم و هیچ کس هم نتوانست کاری برای شما انجام دهد، همان طور که تمام دارو ندار شما را دزدیدیم، همان طور که آزادی را از شما گرفتیم، همان گونه که هر کار خواستیم با ناموس شما کردیم، حسینیه ها را بر سر شما خراب خواهیم کرد و عاشورایی را که از آن سرچشمه می گیرید، از ذهن شما محو می کنیم، نمی گذاریم که اسمی از آن ها بماند اما لطف الهی شامل حال من شد و برای من ۱۰ سال حکم بریدند که بعد از آن حکم شکسته شد و بعد از ۵ سال از زندان آزاد شدم. پس از ۵ سال پسرم را که تا به حال ندیده بودم در آغوش کشیدم و برای اولین بار او را دیدم، در حالی که در طول زندانی شدنم، امیدی نداشتم تا او را ببینم. البته باید بگویم که فشار مردمی بود که به آزادی من کمک کرد و البته آن ها نیز نتوانستند چیزی علیه ما پیدا کنند. آل خلیفه امثال من را آزاد می کنند، زیرا می دانند که من اگر در بحرین بمانم کاری علیه آن ها نمی توانم انجام دهم و هر وقت بخواهند می توانند من را بازداشت کنند و اگر هم به بیرون از بحرین بروم، در آنجا نخواهم توانست علیه آل خلیفه اقدام عملی انجام دهم و شاید برای این بود که مرا آزاد کردند.



**بگذارید کمی سیاسی تر بحث کنیم؛ درباره شیخ عیسی قاسم برای ما بگویید، چطور می شود که شیخ عیسی قاسم لغو تابعیت می شوند، مگر ایشان بحرینی نیستند؟ همچنین، برای ما بگویید، عربستان که اکنون در یمن درگیر است، آیا واقعاً تمایل دارد که در بحرین نیز درگیر یک بحران جانبی دیگر شود یا نه، منتظر می ماند که ما جرای یمن حل و فصل شود و بعد دوباره فشار را بر بحرین تشدید خواهد کرد؟**

به نظر من خاورمیانه در گیر نبرد سیاسی نیست بلکه در آن یک نبرد عقیدتی در جریان است. بعد از جنایت های شدید آل خلیفه در یکی دو سال گذشته، بحرین کمی آرام گرفته بود، زیرا بهترین جوان ها و مبارزان آن یا کشته شدند، یا به زندان انداخته شدند و یا از کشور فرار کردند، با این حال اخیراً آل خلیفه برشدت سرکوبگری های خود افزوده است به نظر شما دلیل آن چیست؟

چرا امروز جمعیت الوفاقی که یکی از مهم ترین جمعیت های سیاسی بحرین است، پلمب می شود؟ چرا آل خلیفه جمعیت «التوعیه الاسلامیه» و «الرساله» را که سیاسی هم نبودند و بیشتر جنبه مذهبی و پژوهشی اسلامی داشتند ممنوع الفعالیت کرده است؟ حکم زندان شیخ علی سلمان (سردبیر جمعیت الوفاق) را از ۴ سال به ۱۰ سال بالا بردند؟ شیخ عیسی قاسم را سلب تابعیت کردند و به دنبال اخراج او از بحرین بودند؟ این ها همه نتیجه شکست هایی است که آل سعود در یمن، سوریه، لبنان و عراق مخصوصاً بعد از آزادی فلوجه متحمل شده است. خسارت ها و شکست های عربستان در دیگر کشورها، ریاض را بر آن داشت این شکست ها را در بحرین جبران کند، زیرا آل سعود جبهه های مذکور را چند جبهه متعدد نمی داند و آن ها را جبهه واحدی می داند و تصور می کند که درواقع در برابر ایران و تشیع شکست خورده است. واقعیت این است که امروز صفین برپاست. بحرین یک لقمه آسان است برای عربستان، زیرا در حقیقت حاکم واقعی بحرین آل خلیفه نیست و آل سعود است. امروز آل خلیفه بدون مشورت با آل سعود، نمی تواند تصمیم مهمی اتخاذ کند.

**پس امروز که آل سعود ضعیف شده است، آل خلیفه هم باید ضعیف شود؟**

صد در صد، اگر آل سعود سقوط کند، شک نباید داشت که این، به معنای سقوط آل خلیفه است. البته بهتر است بگوییم چون مشکل کل منطقه آل سعود است، سقوط آل سعود به معنای راحتی کل منطقه است. کشورهای غربی چرا از آل سعود را می کشند؟ مشخص است، برای پول آل سعود. اگر منابع عربستان خشک شود، حتی غرب و کشورهای غربی نیز به آن پشت می کنند. پشت کردن غرب به عربستان و ضعیف شدن آن همان و از هم پاشیدن آل خلیفه همان. بنده آینده بسیار درخشانی برای منطقه پیش بینی می کنم. عربستان خود را در باتلاق عراق وارد کرد و شکست خورد؛ عربستان در باتلاق یمن وارد شد. باز هم رسوا شد و در همه این جبهه ها، این تشیع و جمهوری اسلامی بود که پیروز شد.

**صحبت از نبرد عقیدتی کردید، مگر شما در بحرین چه می گویید؛ شما گفتید که سلاح ندارید، پس مبارزه شما در بحرین از چه جنسی است که آل خلیفه نمی تواند آن را تحمل کند؟**

در بحرین دو خط انقلابی وجود دارد. یک خط انقلابی سرسخت است. انقلابی مانند انقلاب مکتب امام خمینی رحمه‌ا... علیه که از تکلیف سر چشمه می گیرد. این خط، مقاومت را تا پیروزی علیه آل خلیفه دنبال می کند که بیشتر رهبران آن در زندان هستند. خط دیگر انقلابی در بحرین هم وجود دارد که بیشتر به اصلاح گرایی تمایل دارد که رهبر معنوی آن، آیت ا... شیخ عیسی قاسم است که آل خلیفه حتی آن را هم تحمل نمی کند. شیخ عیسی قاسم پدر معنوی جمعیت الوفاق، مهم ترین جمعیت سیاسی بحرین، است. جمعیت الوفاق بارها در خلال این ۵ سال به صورت رسمی با آل خلیفه وارد مذاکره شده است. همچنین به صورت دائمی، مذاکرات غیر رسمی در جریان بوده است. در تمام این مذاکرات، شیخ احمد عیسی قاسم همواره بر رویه مسالمت آمیز خود تأکید و مطرح می کند که خواستار مذاکره است. به همین دلیل است که مقام معظم رهبری ایران پس از سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم فرمودند که «حالا هم عالم مجاهد آقای شیخ عیسی قاسم را مورد تعرض قرار دادند. این حماقت و بلاهت است، شیخ عیسی کسی بود که مانع حرکات تند می شد. این بی عقل ها (آل خلیفه)، نمی فهمند که برداشتن شیخ عیسی قاسم یعنی برداشتن مانع از مقابل جوانان پرشور بحرینی علیه حکومت؛ دیگر هیچ مانعی نمی تواند این جوان ها را ساکت کند».

**اگر این گونه است، پس این فشار آل خلیفه بر شیخ عیسی قاسم یک اشتباه تاکتیکی است؟ و آیا آینده شیخ عیسی قاسم مانند شیخ نمر خواهد بود یا خیر؟**

همه احتمال ها در بحرین مطرح است. هنگامی که ما در زندان بودیم، وقتی به راه حل سیاسی در بحرین نزدیک می شدیم، نزدیک به اتفاقی که چند روز دیگر احتمال می رفت تا زندانی ها را آزاد کنند و تبعید شده ها را به بحرین باز گردانند، نظیر اتفاقی که در سال ۲۰۰۲ میلادی افتاد که بعد از انقلابی که در سال ۹۰ شد، زندانی ها را آزاد کردند و تبعیدی ها را باز گرداندند، ما این احتمال را می دادیم. اما باز هم آل خلیفه اشتباهاتی مرتکب می شد و یک شهید در خون خودمی غلتید و تمام مذاکرات تحت الشعاع آن قرار می گرفت. بنابراین همیشه بحرین آبستن بحران بوده است. آل سعود و آل خلیفه، حاکمان با تدبیری نیستند، سیاستمدار نبوده و در اصل «شتر چران» بوده اند. پشت سیاست های آل خلیفه و آل سعود، همیشه نشأت گرفته از دیدگاه های قبیله ای است. لذا وقتی فردی در این قبایل غضب کند، آتش بحران را شعله ور خواهد کرد.

**مثل لشکرکشی به یمن؟**

بله البته؛ آل خلیفه و آل سعود حساب شده عمل نمی کنند و از روی احتمال کار می کنند. پس بعید نیست حتی شیخ عیسی قاسم را به شهادت برسانند؛ یا ایشان را دستگیر یا تبعید کنند. البته آل خلیفه همواره به دنبال تبعید شیخ عیسی قاسم بوده است. چرا شیخ عیسی قاسم را مورد تهاجم قرار دادند؟ آیت ا... شیخ عیسی قاسم، بزرگ ترین پشتوانه شیعیان بحرین است؛ آل خلیفه به خیال خود می خواهد با تبعید ایشان، شیعیان بحرین پشتوانه انسجام خود را از دست بدهند.

**گزینه های احتمالی در برابر شیخ عیسی قاسم چیست؟**

آل خلیفه می داند که اگر کسی در بحرین اهل مذاکره باشد، شیخ علی سلمان است. این گزینه مخصوصاً در این ایام پایانی دولت اوباما برای این که او در خاورمیانه این گونه وانمود کند که در منطقه کاری کرده، بعید به نظر نمی رسد و آمریکا شاید به آل خلیفه و آل سعود برای مذاکره فشار وارد کند. البته ما قلباً خواستار این نیستیم. دوست داریم زندانی های سیاسی و تبعیدشدگان آزاد شوند، اما نه به قیمت ماندن آل خلیفه. اما باز هم اگر واقعاً اتفاقاتی نظیر ۲۰۰۲ رخ دهد ما راضی هستیم. در این سال، زندانی ها آزاد شدند و یک پارلمان شکلی و ظاهری تشکیل شد که مثلاً در آن شیعیان را در اکثریت قرار دادند که البته حتی قبول این مسئله برای خود آل خلیفه هم سخت بود و نمی توانستند ببینند شیعیان یک نیروی سیاسی تأثیر گذار در بحرین باشند. ما درواقع خواستار سقوط نظام آل خلیفه هستیم یا دست کم نظامی مشروطه می خواهیم. یعنی پادشاه نماد باشد و پارلمان دموکراتیک حاکم شود. البته آل خلیفه چنین کاری را نخواهد کرد. شیعه در بحرین در اکثریت است؛ البته آل خلیفه مطرح می کند که با تزریق وهابی ها شیعیان ۴۹ درصد و وهابی ها ۵۱ درصد را تشکیل می دهند.

**همین جا درباره تشکیلات سیاسی بحرین، در شرایط کنونی، باهم گفت و گو کنیم؛ بحرین اکنون چه ساختار سیاسی دارد؟**

در بحرین یک حکومت وجود دارد که کل وزرای آن دستچین و انتخاب شده پادشاه هستند؛ این وزرا از خود آل خلیفه انتخاب شده اند؛ شاید ۹۵ درصدشان از خود آل خلیفه هستند. پس ۶ وزارت اصلی بحرین یعنی استوانه های اصلی این کشور در اختیار آل خلیفه است. بعد از آن یک مجلس شورا است که اعضای آن را هم شخص پادشاه انتخاب می کند؛ البته نه از آل خلیفه بلکه در آن افراد چاپلوس از خانواده های مهم بحرین حضور دارند. در این مجلس، مخصوصاً عجم های سنی بحرین نقش دارند. البته به صورت محدود در این مجلس شیعیان موالی حکومت نیز جایگاه دارند. در ذیل این ساختار، یک پارلمان قرار دارد که الان دارای ۴۰ کرسی است که ۲۲ کرسی آن در اختیار وهابی هاست و ۱۸ کرسی آن در اختیار شیعیان است. قبل از انقلاب، جمعیت سیاسی پنجگانه - به غیر از جمعیة العمل الاسلامی که تز آن انقلابی است و نپذیرفت که وارد انتخابات شود - دیگر جمعیت های سیاسی نظیر الوفاق وارد انتخابات شدند. در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ اقلیت پارلمانی را تشکیل دادند که هیچ گونه صلاحیتی ندارد. این پارلمان حتی قدرت ندارد یک خیابان را آسفالت کند. این پارلمان فوق آن یک شورا است که در بالای آن یک حکومت قرار دارد و مافوق این حکومت پادشاه است. تازه در این پارلمان بی صلاحیت نیز شیعیان در اقلیت هستند، در حالی که جمعیت شیعه در بحرین در اکثریت است. البته بگویم که در حال حاضر شیعیان این پارلمان هم مزدور حکومت هستند.

**فکر کنم ادامه گزینه های احتمالی که در برابر شیخ عیسی قاسم قرار می گیرد، تمام نشد، این گزینه ها چه می توانند باشند؟**

احتمال دیگر، ایجاد یک پارلمان به نسبت بهتر نظیر کویت است. یا این که چند وزارتخانه بی اهمیت به شیعیان داده شود. امکان دنبال شدن این سناریو در بحرین وجود دارد. این سناریو برای این پیگیری می شود که قبیله حاکم در بحرین اقتصاد این کشور را فلج می کند. این محتمل است اما دوام نمی آورد. چون مردم بحرین به سطحی از درک رسیده اند که بدانند مشارکت سیاسی با آل خلیفه ممکن نیست و آن ها به راحتی می توانند زیر تمام قرارها و برنامه ریزی ها بزنند. گزینه دیگر این که؛ ممکن است آل خلیفه یک حماقت بزرگ مرتکب شود که باعث شود کل مردم بحرین قیام کنند. هیچ چیز در بحرین تضمینی نیست. همان طور که مردم بحرین در روزهای حکومت نظامی در میدان اللؤلؤ آن گونه پرشور بر طاغوت شوریدند، نه درباره قیام مردم و ادامه آن تضمینی وجود دارد نه درباره سکوت مردم؛ اکنون بحرین آتش زیر خاکستر است. یک حماقت یا جنایت بسیار بزرگ می تواند مانند یک بمب عمل کند و آل خلیفه را بر اندازد. این سناریو می تواند؛ به شهادت رساندن علمایی نظیر شیخ عیسی قاسم و شیخ علی سلمان باشد و یا زندانی کردن آن ها که می تواند بحرین را به آتش بکشد.

**قضیه انقلاب بحرین چیست؟ در اروپا و آمریکا برخی تحلیل می کنند که رشد پوپولیسم و تغییر حکومت و انتخاب سیاستمداران بعضاً نامتعارف توسط مردم، با وضعیت معیشت و کار و درواقع نان آن ها ارتباط دارد، در بحرین چطور است؟**

عامل انقلاب مردم بحرین، قضیه نان نبود، قضیه دین بود. در بحرین، در کنار هر حسینیه یک هتل پنج ستاره به راه انداختند که در آن نیز کثافت کاری های بسیاری انجام می گیرد. منامه پایتخت بحرین به پایتخت روابط نامشروع تبدیل شده است.

**چقدر انقلاب بحرین در حال شبیه شدن به انقلاب ایران است؛ شاید بحرین یک رهبر به بزرگی امام خمینی رحمه‌ا... علیه کم دارد؛ این گونه نیست؟**

واقعاً ممکن است یکی از مهم ترین مشکلات بحرین رهبری آن باشد. البته در بحرین شخصیت های بزرگ وجود دارد، اما کاری که امام خمینی (ره) کرد، کار بزرگی بود. اما قطعاً در صورت ارتکاب اشتباه بزرگی نظیر به شهادت رساندن علمای بحرین و یا هتک حرمت بیش از پیش به آن ها، آل خلیفه ساعاتی بیشتر دوام نخواهد آورد زیرا مزدوران استخدام شده آن ها، قطعاً برای آل خلیفه جان فشانی نخواهند کرد. البته ما دوست نداریم شخصیت های بزرگ بحرین به شهادت برسند و امیدواریم اوضاع به لطف خدا و یاری الهی تغییر کند.

**انتظارات مردم بحرین از مسلمانان ایران چیست؟**

در حقیقت، به عنوان یک بحرینی اگر بخواهم برداشت خود را از مردم بحرین و یا جوانان در زندان آن بگویم، همه طیف ها در بحرین به برادران خود در ایران نگاه ویژه ای دارند. همچنین هر دو طیف سیاسی در بحرین از مقاومت یا اصلاحات، همراه با مردم این کشور، یک نگاهشان به حضرت حجت (عج) است و یک نگاه شان به ایران است. ملت ایران، سپاه و مقام معظم رهبری امید بحرینی ها هست. خیلی از جوان ها در بحرین مقلد حضرت آیت ا... خامنه ای هستند. به یاد دارم در زندان که بودیم حضرت آیت ا... خامنه ای را عمل جراحی می کردند، جوانان بحرینی در این کشور برای ایشان خیلی دعا کردند. این جوانان به سید حسن نصرا... و سردار قاسم سلیمانی علاقه بسیار دارند. یادم است که جوانان بحرینی، عکس این بزرگان را از روزنامه هایی که برضد ایران نوشته می شد، جداو نگهداری می کردند. اساساً رنگ انقلاب های بحرین، قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن متفاوت بود. بعد از انقلاب اسلامی ایران، انقلاب بحرین، رنگ اسلام، دین و مرجعیت به خود گرفت. یادم می آید که شکنجه گر من در حالی که مرا می زد، می گفت که اینجا برای صدور انقلاب ایران آمده ای و خمینی تو را فرستاده است؟ من به این شکنجه گر می گفتم که بابا مردی را که از آن صحبت می کنید، ۲۳ سال است که به رحمت خدا رفته است. او داد می زد و می گفت: «دروغ می گویی، او زنده است»؛ و واقعاً امام (ره) زنده است. امروز توفانی که از قم شروع شد، می رود تا در جهان فراگیر شود.

تحلیل های روز را رصد کنید
www.Rasad.org
پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش روزنامه خراسان

سخن بزرگان
زیباترین و به یادماندنی ترین سخنان مشاهیر در صفحه «همشهری سلام»

**مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ۹۹۶-۹۵ (نوبت اول)**

این شرکت در نظر دارد عملیات اجرایی پروژه آبرسانی به روستای شوشود شهرستان بیرجند را به پیمانکاران دارای صلاحیت از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید.
۱) **مبلغ برآورد حدودی به ریال:** ۵/۲۷۰/۱۷۹/۸۲۲ براساس فهرست بهاء سال ۱۳۹۵
۲) **تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** ضمانتنامه معتبر ترجیحا ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۲۶۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مدت حداقل ۳ ماه و قابل تمدید ضمنا: چک بین بانکی و شخصی قابل قبول نیست.
۳) **رشته و حداقل رتبه پیمانکار:** آب- پایه ۵
۴) **مدت اجرای کار: ۶ ماه**
۵) **مهلت دریافت اسناد مناقصه:** از ۱۳۹۵/۱۰/۰۲ تا پایان وقت اداری ۱۳۹۵/۱۰/۰۷
۶) **محل دریافت اسناد مناقصه:** سایت شرکت به آدرس www.ABFAR-KJ.ir و یا وب سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس http://iets.mporg.ir
۷) **آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها:** تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۹ می باشد.
۸) **حداقل پیشنهادات دریافتی جهت بازگشایی پاکتها ۲ مورد می باشد.**
۹) **زمان تشکیل جلسه قرائت پیشنهادها:** ساعت ۹ صبح ۱۳۹۵/۱۰/۲۱ در محل سالن جلسات شرکت
۱۰) **محل تامین اعتبار:** ظرفیت های قانونی بودجه سال ۹۵
این شرکت در رد یا قبول پیشنهادات برابر قوانین و مقررات مربوطه مختار میباشد. برای کسب اطلاعات بیشتر از شرایط شرکت در مناقصه و مشخصات پروژه به وب سایت شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان جنوبی و یا وب سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس های فوق و یا با شماره تلفن ۸-۳۲۲۱۴۷۵۲-۰۵۶ اداره امور حقوقی و قراردادها تماس حاصل فرمائید.
وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب روستایی استان خراسان جنوبی
روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب روستایی خراسان جنوبی ۹۵۲۸۷۶۹۶/ج

**آگهی مناقصه عمومی شماره ۹۵/۳۱/۲۹**

**موضوع :** واگذاری خدمات حجمی تعمیر و نگهداری تاسیسات ساختمان های اداره کل و قانون تردد
کلیه ی شرکت های دارای صلاحیت تاسیسات تجهیزات توانیر و از سازمان مدیریت می توانند در مناقصه مذکور شرکت کنند.
**-برآورد اجرای کار حدود سه میلیارد ریال و میزان سپرده شرکت در مناقصه :** به مبلغ ۱۵۲/۴۳۶/۸۹۹ ریال می باشد که می بایست به صورت ضمانت نامه بانکی و یا فیش واریزی و یا چک تضمینی در وجه اداره کل واریز گردد.
**-مهلت و نحوه تهیه اسناد :** تا مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۴ از طریق سایت اینترنتی http://iets.mporg.ir قابل مراجعه و دریافت می باشد.
**- مدت قبول پیشنهادات :** تا رأس ساعت ۸ صبح مورخ ۹۵/۱۰/۱۴ می باشد و از زمان مقرر به بعد هیچگونه پیشنهادی قابل قبول نیست و ترتیب اثر داده نخواهد شد.
**- محل تسلیم پیشنهادات:** مشهد - انتهای خیابان فدائیان اسلام - اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده خراسان رضوی-طبقه همکف واحد دبیرخانه مرکزی سازمان در قبال اخذ رسید می باشد و تحویل پاکات به قسمت های دیگر قابل قبول نیست.
- جلسه بازگشایی پاکات راس ساعت ۹ صبح مورخ ۹۵/۱۰/۱۴ به آدرس مشهد - انتهای خیابان فدائیان اسلام- اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای خراسان رضوی دفتر معاونت توسعه مدیریت و منابع می باشد ضمنا جهت حضور نماینده آن شرکت در جلسه بازگشایی پیشنهادات ارائه معرفی نامه کتبی الزامی است.
-جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانید به سایت اینترنتی http://iets.mporg.ir مراجعه نمائید و یا با شماره تلفن ۰۵۱۳۳۳۴۱۲۰۲۴ (اداره پیمان و رسیدگی ) تماس حاصل نمائید.
آ/۹۵۲۸۶۹۲۰

**مرجع ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری بیرجند- آگهی ثبتی**

آگهی تغییرات شرکت کوهستان سبز بیرجند سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۲۵ و شناسه ملی ۱۰۳۶۰۰۲۸۶۱۶ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱-آقایان علیرضا قلی زاده بهابادی به شماره ملی ۰۹۱۸۷۵۸۲۴۶ به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و محمدقلی زاده بهابادی به شماره ملی ۰۹۱۸۷۵۸۲۵۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مصطفی قلی زاده بهابادی به شماره ملی ۰۹۱۹۹۲۷۵۳۱ به سمت منشی هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
۲-کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت از قبیل چک و سفته و غیره و اوراق عادی و اداری با امضای آقای علیرضا قلی زاده بهابادی(مدیرعامل) یا آقای محمد قلی زاده بهابادی (نایب رئیس هیات مدیره) به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود.
با ثبت این مستند تصمیمات تعیین سمت مدیران، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی درسوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی های سازمان ثبت قابل دسترس میباشد.
**اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان جنوبی-مرجع ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری بیرجند**
۹۵۲۸۷۸۶۵/ج

**آگهی مناقصه تامین نیروی خدمات شهر و فضای سبز شهرداری تربت جام**

شهرداری تربت جام در نظر دارد به استناد مصوبه شورای اسلامی شهر تربت جام تامین نیروی خدمات شهر (رفت و روب و جمع آوری زباله ) و فضای سبز (نگهداری، آبیاری و ...) را به شرکت های واجد شرایط واگذار نماید .بدینوسیله از شرکتهای واجد شرایط دارای صلاحیت اداره کار دعوت به همکاری میشود .
۱- جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۹۵/۱۰/۴ لغایت ۹۵/۱۰/۱۹ به دبیرخانه شهرداری مراجعه نمایند .
۲- شهرداری در رد یا قبول یک یا تمام پیشنهادات مختار است .
۳- کلیه هزینه ها اعم از کارشناسی ، آگهی نوبت اول و دوم و ... بعهده برنده مناقصه می باشد .
۴- در صورتیکه برندگان نفر اول تا سوم از انعقاد قرارداد خودداری نمایند سپرده آنان به نفع شهرداری ضبط میگردد .
۵- آخرین مهلت ارسال پیشنهادات پایان وقت اداری مورخ ۹۵/۱۰/۱۹ می باشد .
۶- تاریخ بازگشایی پیشنهادات ساعت ۱۸ مورخ ۹۵/۱۰/۱۹ می باشد .
۷-جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۵۱۵۲۵۳۰۵۵۰ امور مالی تماس حاصل نمایند .
۹۵۲۸۷۲۰۵/ش
**محمد یوسف بدری احمدی - شهردار تربت جام**